

پنهانکاری در سیاست آمریکا و جمهوری اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

پنهانکاری در کنار مسئولیت

پنهانکاری امور کشور از مردم در جمهوری اسلامی امر بدیعی نیست و برعکس آن اگر باشد عجیب و حیرت آور است زیرا در فلسفه اسلام برای مسلمانان حق آگاهی نسبت به مسائل و اعتراض نیست خاصه در اسلام تشیع که مردم حکم کف و حیوان را دارند، حکم اقتدا به مراجع تقلید و کسب تکلیف از آنها دلیل بی نیازی مردم به آگاهی های مربوط به کشور و مردم و حتی امور شخصی است.

در اسلام و حکومت های اسلام اطاعت، از مجرای فهم و درک و اعتقاد شخصی نیست بر مبنای حکم از مراجع و فقهای اسلامی است، لاجرم تکلیفی هم بردولت برای مشارکت و آگاه سازی مردم به تصمیمات حکومت نخواهد بود اگر جزئی آگاهی دادن لازم باشد آگاهی دادن به مراجع است نه مردم.

ولی در آمریکا که از سیستم دموکراسی و حکومت مردم بر مردم تبعیت میکند و اصل، آگاهی و نظارت مردم بر امور است اتخاذ سیاست پنهان کاری بسیار عجیب و حیرت آور است.

از باب نمونه

۱۱ سپتامبر

*** آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در اسنادی که بتازگی درباره حملات ۱۱ سپتامبر منتشر ساخته تقریباً تمامی بخش های مربوط به نقش احتمالی عربستان را در حادثه ۱۱ سپتامبر مخدوش کرده است.

*** آقای کوپن برت از اعضای برجسته تیم علمی تحقیقات ۱۱ سپتامبر به پرس تی وی گفته ۲۸ صفحه منتشر نشده از گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر سوانی بزرگی را برملا میکند.

آقای برت اضافه کرده است این ۲۸ صفحه منتشر نشده که گفته میشود حاوی مدارکی دال بر دست داشتن عربستان در پشتیبانی و حمایت مالی از هواپیما رهاست افرادی که این صفحات را دیده اند از جمله آقای باب گراهام سناتور پیشین فلوریدا و دیگر افراد درکنگره اذعان کرده اند این صفحات نظر افراد را درباره حملات یازده سپتامبر کاملاً درنگون میکند.

**** در گزارش سازمان سیا آمده است >از ۱۹ هواپیما ربا در حادثه ۱۱ سپتامبر ۱۵ نفر دارای تابعیت عربستان بوده اند< با وجود این صراحت باز گزارش میگوید >که هیچ مدرکی دال بر آنکه عربستان از روی میل به آن حملات کمک کرده است دیده نشد<. (۱)**

(۱) بکارگرفتن واژه از روی میل در گزارش مزبور خیلی معنا دار است، و یکی از معانی آن توجه، وجود قصد مرتکب است و صرف وجود قصد سبب ورود اتهام است و اینکه مرتکب جنایت از روی میل و یا بی میلی قاصد ارتکاب جرم بوده، تاثیری در تحقق عنصر مادی جرم ندارد و به عبارت دیگر حضور میل در ارتکاب جرم و اینکه چه مقدار باشد از مسائلی نیست که ارکان تحقق اتهام جنایت را از مسیر خود منحرف سازد و یا قابل اثبات و یا قانونی ناظر بر میزان آن باشد در این مقوله نباید کره و تهدید و تدلیس و امثال آنها را با میل و بی میلی یکی گرفت. استفاده از واژه (از روی میل) نمایشی از تائید وقوع جرم ولی جانبداری و حمایت از مجرم است. پایان (۱)

**** موضوع بازرسی ۱۱ سپتامبر به کنگره آمریکا رفت؛ کنگره آمریکا عربستان را در حادثه مزبور مقصر شناخت. عربستان آمریکا را تهدید کرد که موجودی های نقدی اش را از آمریکا خارج خواهد ساخت و آقای اوباما هم در جانبداری از عربستان احتمال استفاده از حق وتوی خود را به حمایت از عربستان اعلام کرد در این جریان یک دفعه رئیس سازمان سیا گزارش داد که اصلا عربستان در جریان ۹۱۱ دخالتی نداشته است و این جریان و اقدام رئیس سیا که زیر نظر مستقیم رئیس جمهوری آمریکا قرارداد نشان داد که آمریکا در جهت پنهان کاری کار آرائی پرتبجری دارد.**

**** با وجود همه این پنهانکاری ها و جانبداری های آشکار و مفتضح آمریکا، معهذاً دادگاه نیویورک آمریکا، ایران را در حادثه ۹۱۱ مقصر شناخت و ۱۰ میلیارد دلار بجزبران خسارت بازماندگان آن جریان محکوم ساخت و رای هم به استناد رای دیوان عالی آمریکا در جریان اجرا قرار گرفته است و عجیب اینکه در رای دادگاه نیویورک، شخص سیدعلی خامنه ای بعنوان معاون آن جنایت هم معرفی گردیده است.**

نمونه - پنهانکاری در مذاکرات عدن

اخیرا آشکار شده که بخشی از مذاکرات محرمانه بین آمریکا و جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۳ در عدن از دیدنوی وزارت خارجه آمریکا حذف شده است. موضوع به مجلس نمایندگان آمریکا کشیده و سبب واکنش مجلس شد؛ آقای کری هم حذف راتائید و گفت عمل صورت گرفته با شفاف بودن و پاسخگویی به عموم سازگاری ندارد و بالاخره هم معلوم نشد که آن بخشی که حذف شده چه بوده و اساسا همان قسمتهای اصلی مذاکرات هم برکسی آشکار نشد.

فراموش نشود که در پنهانکاری مذاکرات عدن تنها آمریکا نبوده که تن به حذف و پنهان کاری داده است طرف ایرانی هم دوش به دوش آمریکا در پنهانکاری حضور داشته چنانکه جمهوری اسلامی از متن مذاکرات محرمانه عدن خبری منتشر نکرد و اصلا مذاکرات محرمانه عدن را تائید هم نکرد و آقای ظریف هم بطور سربسته گفت >مامیخواستیم مردم از کمپین کارگزاران آگاه نشوند<.

نمونه دیگر - پنهانکاری در جنایت اور لاندو

یک جوان مسلمان تبعه آمریکا بنام عمرمتین در مکالمات تلفنی، خود را سرباز داعش، بیعت کرده با داعش و حتی نام خود را به علامت وفاداری به داعش بغدادی مینامد، و در همین مکالمه تنفر خود را از اقدامات نظامی هوایی آمریکا در عراق و سوریه اعلام میکند و از طرف مکالمه خودش میخواید که پیام او را به مقامات آمریکایی برساند و همچنین از شعارهای اسلامی استفاده میکرده.

پلیس آمریکا تمام این مکالمات را از نوار گفتگوی متین با مقامات پلیس حذف کرده است و در مقام استیضاح، پلیس گفته است نخواستیم برای قاتل پایگاهی ایجاد شده باشد. یعنی حقیقت را که میتوانسته مبنای شناخت انگیزه جرم باشد مخفی ساخته است.

پلیس فدرال آمریکا، تائید کرده است که عمرمتین را در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ظن ارتباط با پیکارجویان اسلامگرا مورد بازجویی قرار داده بود اما به نتیجه مشخصی که او را یک تهدید نشان دهد نرسید با این حال شواهدی در پرونده او راندو نشان میدهد که احتمالاً عمرمتین تحت تاثیر ایدئولوژی افراطی اسلامگرایان حمله در او راندو را مرتکب شده است.

نتیجه گزارشات پلیس فدرال این مختصر است؛ پلیس فدرال با آنکه سوء ظن نسبت به عمرمتین داشته

ولی او را تحت کنترل پلیس نبوده و پلیس خطری از ناحیه او احساس نمیکرد.

مسئول واقعی فاجعه او راندو کیست؟

نخست این حقیقت گفتنی است که فاجعه او راندو برخلاف عظمتی که آمریکا برای آن قائل شده و احساسات بشریت را معطوف به آن رویداد ساخته است فاجعه استثنائی و بیسابقه برای مردم جهان نیست هر روز در کشورهای عراق و افغانستان و سوریه و لیبی چند برابر همین عده که در او راندو کشته و زخمی شده اند بوسیله اسلامگرایانی که بهر حال نمیتوانند خودجوش باشند کشته و زخمی میشوند ما ایرانیان یک ضرب المثل داریم که میگوید «چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی».

ستیزه جویان مسلمان که بنامهای گوناگونی چون داعش و نصرت و بوکوحرام و غیره در سراسر دنیا فعالند، همه جهانیان میدانند که آنها نه خود جوشند و نه میتوانند بدون کمک مالی و فنی و تدارکاتی و سیاسی کشورهای خارجی حتی یک روز هم دوام بیاورند.

بنابر این بحث درباره او راندو و آنچه که بوقوع پیوسته بدون توجه به ماهیت آن و مسئول واقعی آن بحثی ساده و سطحی است و هیچ مشکلی را حل نمیکند، و تنها از این جهت قابل استفاده است که میتواند سناریوی یک فیلم سینمایی باشد و نمایشی از گل ترتیب داده شود.

مسئولیت اساسی سلامت جوامع است

در هر پرونده جنائی و یا رویداد نامطلوب اجتماعی، نخستین راهی که باید برای حرکت انتخاب شود، مسیر مسئولیت و شناخت مسئول است و از همین طریق است که میتوان به کمبودها و یا سوء نظرها و یا قصد جنایت و یا بی احتیاطی متصدیان و امثال آنها پی برد و در همین زمینه از بررسی است که با انگیزه و علت تبهکاری مواجه میشویم و برای جلوگیری از تداوم و گسترش آن میتوان به اقدامات لازم دست زد.

این تحریر مایل است به ابعاد مسئولیت در فاجعه اورلاندو و بطور کلی مسئول فاجعه داعش و نظایر آن در حد مقدور ظرفیت بیرازد

مسئولیت در فاجعه اورلاندو

ظاهرا تیترا انتخاب شده، تیترا ناموجهی است زیرا معلوم است که مسئول، عمرمتین بوده ولی چنین برداشتی پاسخگوی تحقیق قضائی و حتی جامعه شناسی نیست چراکه هر عاملی مسئول واقعی نیست و در مواردی ممکن است مسئول واقعی اصلا دخالت فیزیکی و نمایانی در عمل نداشته باشد. عمرمتین مسئول عمل خودش میباشد ولی ابعاد مسئولیت های مختلفی که جمعا سبب مسئولیت عظیم فاجعه شده را نمیتوان محدود به عمل متهم ساخت.

فکر میکنم مثالی لازم باشد

در جنگ بین الملل اول بعثت ترور و لیکهد اطریش جنگ بین کشورهای اروپائی آغاز شد البته که عامل ترور و لیکهد، مسئول عمل خودش بود ولی همانطور که مسئولیت های مفصل و سنگین جنگ جهانی چیز دیگری است همانطور هم نمیتوان بصراف اینکه عمرمتین عامل کشتار بوده کل مسئولیت فاجعه را متوجه مقتول ساخت.

مسئولیت یک فاجعه و یا عمل غالبا حالت <ذره>، ذره جمع شود و انگهی دریا شود< را دارد از باب تشریح، در همین فاجعه اورلاندو خوشبآوری و بی احتیاطی پلیس فدرال نسبت به عمرمتین و یا سه ساعت تاخیر تا رسیدن پلیس و فقدان کلپ از نگهبان و امثال ممکن است هر کدام بابتی از کل مسئولیت را تشکیل میدهد.

وقتی می بینیم که پلیس فدرال و یا سازمانهای متصدی امنیت ملی آمریکا سالیانه ۱۶ میلیارد بودجه با ۱۰۰ هزار کارمند برای ضبط مکالمات مردم جهان دارند و بنابراین اعلام خودشان بر ۹۵ درصد از مذاکرات تلفنی مردم جهان اشراف دارند و این اقدام را برای تامین امنیت ملی آمریکا لازم میدانند آنهم در حدی که اتهامات سنگین حقوق بشری و نقض حریم خصوصی افراد جهان را می پذیرند و در اجرای این برنامه، مکالمات شنود غیرقانونی مردم بوسیله کامپیوترهای بسیار بزرگ استثنائی ضبط و به هرزبانی و موضوعی مکالمه را تقسیم بندی و حفظ میکند و حتی شخصیت های کشورهای هم پیمان آمریکا هم از این شنود مخفی معاف نیستند آنوقت نمیتوان بی احتیاطی های پلیس فدرال آمریکا را از محدوده مسئولیت فاجعه اورلاندو جدا ساخت.

مسئولیت میگوید، آن ۱۶ میلیارد دلار را مردم آمریکا تحت عنوان مالیات به دولت آمریکا میدهند که بتوانند آزادانه و بدون ترس و نگرانی و استخدام بادی گارد، به کلپ بروند و اکنون که این اتفاق افتاده لذا دولت آمریکا مسئول است و اگر مسئولیت جزائی متوجه دولت آمریکا نباشد که نیست، بدون تردید مسئولیت مالی و جبران خسارات بازماندگان کلپ بر عهده دولت آمریکاست.

در خبرها آمده است که پلیس فدرال همسر عمرمتین را به بازپرسی دعوت کرده است و احتمالا محکومیت کیفری هم به او خواهند داد که کاری در قبال این فاجعه شده باشد.

ممکن است توجه دادن مسئولیت به همسر عمرمتین راهی برای فرار پلیس فدرال از مسئولیت خود تلقی شود و یا با معرفی همسر عمرمتین بعنوان معاون جرم دعوی خسارت زیان دیدگان از فاجعه را متوجه

همسر عمرمتین بسازد (کاری که دادگاه نیویورک در مورد محکومیت ایران به پرداخت ۱۰ میلیارد دلار خسارت به بازماندگان ۹۱۱ کرد که سیدعلی راهم بعنوان معاون جرم شناخت).

در حالیکه اتهام همسر عمرمتین اگر این باشد که چرا از نیت عمرمتین پلیس را آگاه نکرده است ادعای نادرست و بسیار ضعیفی است زیرا در حالیکه پلیس فدرال با آن تبحر و سابقه و وسائل و استراق سمع و بازجویی از عمرمتین نتواند به نیت او آگاه شود و او را از دید پلیسی رها سازد همسرا و چگونه میتواند از نیت او چنان مطلع شود که پلیس را در جریان قرار دهد، آنهم یک زن مسلمان که بنا بر اعتقادات دینی اش حق ندارد که بکارهای همسرش حساس شود و یا راز او را فاش کند و یا بهرحال علیه همسرش ایجاد مزاحمت کند، این حقوقی که زن عمرمتین به اعتبار اعتقادات مسلمانی اش دارد همان است که اعلامیه جهانی حقوق بشر، همسر عمرمتین را به رعایت و ادای آن، حق داده و دولت آمریکا راهم به رعایت آزادی اعتقادات مذهبی پیروان ادیان از آنجمله اعتقادات همسرمتین متعهد ساخته است.

این تحریر چه میگوید:

این تحریر به اعتبار اعلامیه جهانی حقوق بشر میخواهد به مشکل مسئولیت مدنی دولتها در قبال اعمال پیروان مذاهب مقیم در کشورها توجه تحقیقی و حقوقی داشته باشد و شاید به این نتیجه برسد که:

پیروان مذاهب و ادیان که در کشورهای دیگر از جمله آمریکا اقامت مجاز دارند، هرگاه مرتکب هر عملی بشوند که از لحاظ مقررات دینی و مذهبی آنها منع نشده باشد و هر چند که آن اعمال بوسیله قانون کشور محل اقامت جرم شناخته شده باشد، مسئولیت های مدنی و خسارات ناشیه از آن عمل، بر عهده دولت کشور محل اقامت متهم است.